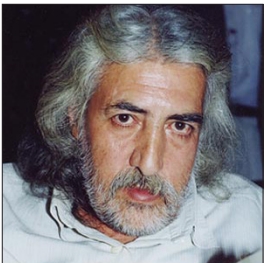


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

که عشق – ماه بلند من – ورای دست رسیدن بود…



حسین منزوی غزل سرای نامدار معاصر یکم مهر سال ۱۳۲۵ در زنجان زاده شد. نخستین دفتر شعرش با عنوان «حنجره زخمی تغزل» سال ۱۳۵۰ با همکاری انتشارات بامداد به چاپ رسید و با این مجموعه به عنوان بهترین شاعر جوان جایزه شعر فروغ برگزیده شد. منزوی به عاشقانه‌سرایی مشهور است. اما آنچه عاشقانه‌های او را از سروده‌های دیگران جدا می‌کند نگاه ویژه‌ او به زبان در شعر است. منزوی درپچه‌ای تازه به روی غزل معاصر فارسی گشود و عناصر شعر نو فارسی را به غزل راه داد. او توانست غزل فارسی را از زبان کهنه‌ای که به آن دچار شده بود براند. منزوی بنیان‌گذار غزل مدرن فارسی است و در این راه شاعران جوان بسیاری از او پیروی کردند. عشق مضمون اصلی و محوری تمام سروده‌های اوست. از جمله آثارش می‌توان به این نام‌ها اشاره کرد: با عشق در حوالی فاجعه، از شوکران و شکر، از کهر یا و کافور، با عشق تاب می‌آورم، به همین سادگی و… حسین منزوی شانزدهم اردیبهشت سال ۱۳۸۳ درگذشت.

شاید اغلب ما این غزل را شنیده باشیم اما ندانیم سراینده‌اش حسین منزوی است: خیال خنم‌پلنگ من به سوی ماه جهیدن بود / و ماه از بلندایش به‌روی خاک کشیدن بود / پلنگ من – دل مغرورم – پرید و پنجه به خالی زد / که عشق – ماه بلند من – ورای دست رسیدن بود / من و تو آن دو خطیم آری موازیان به ناچاری / که هر دو باور مان ز آغاز به یک‌گذار نرسیدن بود…

خودزنی / محیط زیست

مرگ مهاجران در آب‌های خلیج فارس

آرش خوزستانی – چند هفته پیش خبر را خواندم و از همان اول تشخیص دادم مقصر تصادف کیست. لازم بود آدم فکر کند. تابلو بود به جان خودم. بر و بچه‌ها خیلی حالشان گرفته بود و اعصابشان به هم ریخته بود. کفرم را بالا آورده بودند. هر چه سعی می‌کردم توچیهشان کنم فایده نداشت که نداشت. حالا ما چرا از چه قرار بوده؟ بریتان عین خبر را به نقل از پایگاه خبری دیده‌بان محیط زیست و حیات وحش ایران می‌نویسم: «چند روز پیش لاشه‌یک نهنگ براید (balaenoptera edeni) در سواحل شهرستان دیزر از توابع استان بوشهر مشاهده شد و با کمک شناورهای اداره بنادر و دریانوردی به ساحل آورده شد.

رئیس اداره محیط زیست شهرستان دیزر در این باره گفت: لاشه نهنگ توسط کارشناسان محیط زیست بیومتری، بررسی و نمونه‌برداری گردید که نتایج بررسی‌ها نشان می‌داد نهنگ پس از برخورد با یک کشتی بزرگ تلف شده است.

عبدالله نجفی اظهار داشت: طول این نهنگ ۱۳ متر و ۳۰ سانتیمتر وزن آن معادل ۸ تن بوده است».
خب؟ شما چه می‌گویید؟ وجدانا تقصیر نهنگ نبوده؟ نباید عقلش می‌رسید که سر راه کشتی قرار نگیرد؟ انتظار داشتید کشتی نهنگ را تشخیص بدهد و از سر اهش برود کنار؟ به کشتی چه مربوط که نهنگ توی دریا زندگی می‌کند؟ این مشکل نهنگ است نه کشتی. نهنگ‌ها باید با دیدن کشتی مثل بچه آدم سرشان را بیندازند پایین و راهشان را کج کنند به سمت دیگری تا از این به بعد از این تصادف‌ها رخ ندهد. حالا خدا کند کشتی‌ای که نهنگ با آن برخورد کرده آسیب ندیده باشد. بالاخره این کشتی‌ها اعم از باری و تجاری و نظامی و … سرمایه‌های ملی ما به شمار می‌روند و حیف است آسیب ببینند.

همه این حرف‌ها را برای همکاران محیط‌زیستی ام‌زم اما افاقه نکرد. تازه محض یادآوری بهشان گفتم از این اتفاقات در همه جای دنیا می‌افتند و در همین سواحل جنوب خودمان هم قبلاً پیش آمده. پادشان آورد کم همین پارسال لاشه یک نهنگ بی‌توجه! را در ساحل عسلویه پیدا کردند و رئیس اداره حفاظت محیط‌زیست شهرستان عسلویه در این باره توضیح داد: «علت مرگ این نهنگ هنوز مشخص نیست اما به‌طور معمول براساس برخورد باشی «سخت از جمله پروانه شناورهای غول‌پیکر نفتکش این حوادث پیش می‌آید. در سال‌های گذشته نیز لاشه نهنگ در شهرستان‌های عسلویه و کنگان به کل نشسته است». این خبر را که یادآوری کردم نام‌نم دانم چرا همکارانم عصبانی تر شدند و انگار داغشان تازه شده باشد یا شور و حرارت از این حرف‌زدند که نهنگ براید از نژادگرمسیری و از گونه‌های نادر است و زمستان‌ها برای تامین غذایش به آب‌های گرم حوزه خلیج فارس مهاجرت می‌کند.

من هم راستش دیگر حوصله‌ام از حرف‌هایشان سر رفته بود. توی دلم می‌گفتم: یک نهنگ ناقابل ارزش این همه حرص خوردن دارد؟ می‌خواست به آب‌های خلیج فارس مهاجرت نکند. مگر ما برایش دعوت‌نامه فرستاده بودیم که حتما بیا. خودش آمده، خودش به کشتی بی‌توجهی کرده، خودش هم پای خودش است. خلاص.



فارسی را پاس بداریم

برو بابا! تو هم حال داری

«دیروز در نشست مطبوعاتی خبرگزاری‌ها صحبت از حل شدن ۷۰در صد اختلاف‌ها و باقی ماندن ۳۰درصد از مواردی می‌گویند اما این اختلاف‌ها که باید تا ۴۸ ساعت آینده و یا با زرمه‌های که شنیده می‌شود تا ۷۲ ساعت آینده مشخص شود بر سر چیست؟»

آنچه خواندید متنی است از خانم محترمی که عضو شورای سردبیری یکی از محترم‌ترین خبرگزاری‌های ایران است. آنچه خواندید بخشی از یک یادداشت ۵۴۲ کلمه‌ای است که پس از خواندن آن مجبور به چند ساعت سکوت، سپس نیم ساعت گریه و در نهایت خوردن دو عدد استامینوفن کدین شدم تا مگر آبی باشد بر آتش سردردم.

شاید این چند خطی که در آغاز این نوشته آورده‌ام چندان هم غلط به نظر نرسد اما وقتی به این نکته می‌اندیشم که همین چند خط با همین غلط‌های نه چندان فاحش! حاصل ترواش قلم یک «سردبیر» است دیگر نمی‌توانم آرام و قرار بگیرم و به این نتیجه می‌رسم که واقعا اوضاع ما وخیم‌تر از آن است که خود گمان می‌بریم.

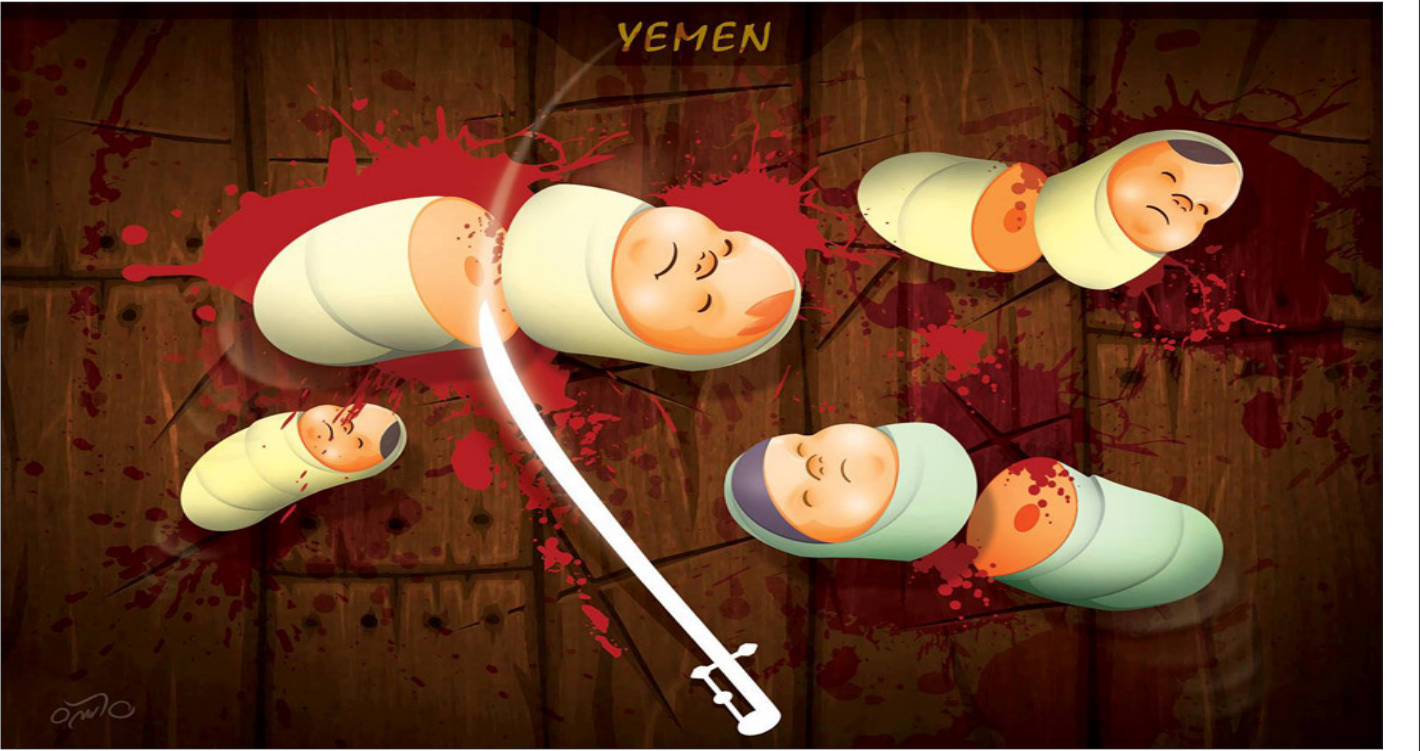
نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

چه کسی آتش جنگ را برافروخت؟

خاطرات یک سرهنگ دورهٔ پهلوی از جنگ تحمیلی تجدید چاپ شد

مرور برخی سطرهای کتاب «شب‌های بی‌مهتاب» خاطرات اسیر آزادشده ایرانی، سرهنگ شهاب‌الدین شهبازی پاسخ بعضی پرسش‌های ما را در باره جنگ تحمیلی ارائه می‌دهد. محسن کاظمی، دبیر انجمن تاریخ شفاهی ایران با نگاهی موشکافانه به سراع تاریخ جنگ از دریچه نگاه افسر سابق دوره‌پهلوی، رشته که در جنگ با انگیزه وطن خواهی در مقابل دشمنان ایران ایستادگی کرده‌است درباره جنگ تحمیلی پرسش‌های بسیاری مطرح شده که تنها با کاوش میان اسناد تاریخ جنگ قابل دریافت‌است. گاهی زمزمه‌هایی شنیده‌می‌شود مبنی بر اینکه چه کسی آغازگر جنگ بود؟ چگونه یک کشور همسایه به مرزهای ما یورش برد؟ پاسخ برخی از این پرسش‌ها در میان سطرهای دست‌نوشته‌ها و خاطرات رزمندگانی که امروز مظلومانه در گوشه‌ای از این خاک پرگهر می‌زنند، قابل مطالعه است. یکی از منابعی که می‌تواند ما را به برخی پرسش‌هایمان برساند. کتاب «شب‌های بی‌مهتاب» خاطرات اسیر آزادشده ایرانی، سرهنگ شهاب‌الدین شهبازی است که به کوشش محسن کاظمی تدوین شده است. این کتاب تاکنون چند بار تجدید چاپ شده، اما دلیل ما برای معرفی این کتاب نه چاپ‌های مکرر آن، بلکه روای کتاب، یعنی شهبازی است که در زمان پهلوی دوم در دستگاه نظامی کشور در دوره‌ای که هنوز زمانی زیادی از پیروزی انقلاب نمی‌گذشت، چندان باثابت نبود و مسئولان برای تصمیم‌گیری با هم هماهنگ نبودند. شهبازی در باره گزارش‌های استمداد کمک و نیرو آورده است: «در تیر ۱۳۵۹ گزارش دادم که عراقی‌ها حدود سه لشکر زرهی و پیاده در فاصله سه یا چهار کیلومتری از مرز برای حمله به ایران متمرکز کرده‌اند و ما به نیروی کمی نیاز داریم. دستور بدهید از لشکر ۹۲ اهواز به کمک ما بیایند. ما در گزارش‌ها اصرار می‌کردیم که باید به تعداد عراقی‌ها، در مرز آرایش نظامی بگیریم. ما با جدیت و دلسوزی، اطلاعات را جمع‌آوری کرده برای مسئولان مافوق

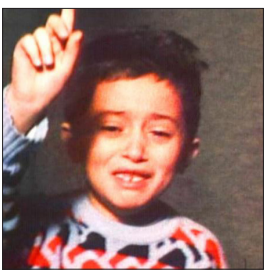
گردش روزگار برعکس است



جنگ در یمن ادامه دارد… با بُیِ ذَنبِ قُتِلت…

با کاروان حله / اخبار هنر

«مشق شب» کیارستمی در شبکه مستند



شبکه مستند سیما در دومین قسمت از مجموعه «گنجینه» مستند «مشق شب» به کارگردانی عباس کیارستمی را برای پخش در نظر گرفته است. پخش برنامه «گنجینه» از هفته گذشته آغاز شده است. در همکاری با مرکز آرشپو سازمان صداوسیما، مستندهای برگزیده دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ از مستندسازان برتر ایران برای پخش در این برنامه انتخاب شده و مراحل مرمت این آثار در حال انجام

است. برخی از این مستندها تا به حال از تلویزیون پخش نشده‌اند و در قالب «گنجینه» با اجرای پرپوش نظریه برای نخستین بار روی آنتن می‌روند. پخش ابتدایی هر قسمت از برنامه مربوط به معرفی کوتاهی در باره آثار و مستندسازان است و این بخش هر بار در یکی از کافه کتاب‌های شهر تهران ضبط می‌شود. عوامل این برنامه برای ضبط قسمت دوم به کافه کتاب اکباتان رفته‌اند. مستندی که این هفته پخش می‌شود «مشق شب» ساخته عباس کیارستمی محصول سال ۱۳۶۷ است. این فیلم تحقیقی مصور درباره تکالیف شب بچه‌ها است. فیلم از زبان خود بچه‌ها به طرح این موضوع می‌پردازد. کیارستمی علاوه بر کارگردانی، نویسندگی این اثر را نیز برعهده دارد و از جمله بازیگران آن می‌توان به بابک احمدپور، فرهنگ اخوان و محمدرضا نعمت‌زاده اشاره کرد. «گنجینه» به مناسبت آغاز ماه مهر این مستند را انتخاب کرده است و «مشق شب» چهارشنبه اول مهر در ۷۰ دقیقه روی آنتن می‌رود. این برنامه به تهیه‌کنندگی زهرا کشاورزی هر هفته چهارشنبه‌ها ساعت ۲۱ با اجرای پرپوش نظریه از شبکه مستند سیما پخش می‌شود.

باشد آن روز که آن فتنه به ما باز آید
لیک از انگونه که او رفت، کجا باز آید؟
رفت و یاز آمدنش تا به قیامت نینود
ای قیامت انو بیازود که تا باز آید…
(امیر خسرو دهلوی، قرن هفتم، غزلیات)

سوت پایان



شب‌های بی‌مهتاب
خاطرات سرهنگ شهاب‌الدین شهبازی
گردآوری: محسن کاظمی
انتشارات سوره مهر
شمارگان: ۲ هزار و ۲۰۰ نسخه
قیمت: ۲۵ هزار تومان
صفحه ۲۵۱

۳۱ شهریور سال ۵۹، تاریخی است که کمتر ایرانی مینهن دوستی آن را فراموش می‌کند. روزی که جنگی خونین و نابرابر در جنوب ایران آغاز شد. حکایت راوی کتاب «شب بی مهتاب» از این روز، حکایت تلخ و دردناکی است. در برخی از سطور خاطرات این آزاده می‌خوانیم: «پس از آن همه گزارش، در خواست و هشدار؛ تنها ۴۸ ساعت قبل از شروع جنگ فراگیر و تحمیلی عراق علیه ایران، به نیروهای رزمی و نظامی آماده‌باش دادند و ما به وضعیت آماده‌باش کامل در مراکز خدمتی مان در هویزه و سوسنگرد در آمدیم. حمله گسترده عراق به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد. ابتدا گزارش از «فکه» به ما رسید که پاسگاه فکه سقوط کرد و عراقی‌ها در حال پیشروی درون خاک ایران هستند و بی‌دری خبر سقوط پاسگاه‌ها می‌رسید. فر مانده ناحیه خوزستان (سرهنگ فروزان) در محل استقرار هنگ سخنرانی کرد و نحوه حمله عراقی‌ها را برای ما شرح داد و گفت: «حمله معنی‌اش این است که چهار تالشکر از پایین حمله می‌کنند و بالا می‌آیند، از آسمان سی-چهل فروند هواپیما منطقه رامی‌کوبند. اینها علائم حمله است و شما الان باید با هر آنچه که در توان دارید، آماده رزم و دفاع باشید…»

جایزه بزرگ صلح به حسن روحانی تقدیم شد



آیین اختتامیه سومین جشنواره بزرگ هنر برای صلح، عصر دوشنبه ۳۰ شهریور ماه در سالن خلیج فارس فرهنگسرای نیاروان با حضور علی مرادخانی معاون هنری وزیر ارشاد، مجید ملانوروزی مدیرکل مرکز هنرهای تجسمی، علی ترابی مدیر انجمن موسیقی، علیرضامشایخی پیشکسوت هنر موسیقی، عباس سجادی مدیر فرهنگسرای نیاروران، محمد درویش مدیر کل مشارکت مردمی سازمان محیط

زیست، سعیده قدس بنیان‌گذار موسسه محک، حجت‌الاسلام محمدعلی زم ریاست شورای سیاست‌گذاری جشنواره، فریدون فدب‌دبیر جشنواره، بابک توتونچی دبیرکل سازمان غیبردولتی مکتب حرمت حیات و جمعی از هنرمندان و علاقه‌مندان برگزار شد. فریدون فدب‌دبیر این جشنواره در سخنانی اظهار کرد: در این جشنواره ۶۰ اثر نقاشی، ۴۲ عکس، ۲۴ مجسمه و چیمپان، ۳۷ پوستر و اثر گرافیکی به‌نمایش درآمد. همچنین ۱۲ اثر از نقاشی کودکان با همکاری موسسه محک، انجمن حمایت از حقوق کودکان و پیش‌دستانی ویستا و در بخش موسیقی ۷ مجوز اجرا دریافت کردیم که متأسفانه این اجراها برگزار نشد. در پایان این مراسم چهار نشان عالی صلح به جلال ستاری اسطوره‌شناس و اندیشمند معاصر برای اعتلای فرهنگ، علیرضامشایخی آهنگساز پیشکسوت برای اعتلای موسیقی، سعیده قدس نویسنده و نیکوکار برای فعالیت خیرخواهانه و در نهایت به حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران برای گسترش فرهنگ گفت‌وگو اهدا شد. در این مراسم همچنین حجت‌الاسلام‌زم، سعیده قدس، محمد درویش و بابک توتونچی سخن گفتند.

در آغاز جمله بگذارد و جزء دیگر را در انتهای جمله قرار دهد. حالا باید ببینیم وقتی می‌گوییم «دیروز در نشست مطبوعاتی خبرگزاری‌ها…» منظورمان دقیقا چیست؟ می‌خواهیم بگوییم خبرگزاری‌ها همه در یک نشست مطبوعاتی شرکت کرده‌اند و همگی آنها در باره مسأله هسته‌ای ایران موضع مشابه داشته‌اند؟ حتی یک دانش‌آموز مقطع متوسطه در یک دوراستای دور افتاده هم می‌داند که مثلاً موضع خبرگزاری‌های فارسی درباره مسائله هسته‌ای، هیچ نیستی یا موضع پایگاه‌خبری انتخاب‌اندرو… سرتان را در نیابورم. عجالتشمارا با شکل اصلاح‌شده آن دو خط وامی‌گذارم: «در یکی دو روز اخیر منابع خبری معتبر از حل‌شدن ۷۰درصد اختلاف‌ها سخن می‌گویند، اما هنوز به روشنی معلوم نیست ۳۰درصد اختلاف باقی‌مانده بر سر چیست؟ اختلافاتی که باید تا ۴۸ ساعت آینده یا با زرمه‌هایی که شنیده می‌شود تا ۷۲ ساعت آینده تکلیفشان معلوم شود!»

باور بفرمایید حتی اگر با نهایت خیرخواهی و احترام این غلط‌ها را به شخص نویسنده گوشزد کنیم، باور خسردی‌زیاید الوصفی به ما لیخنذ خواهد زد و خواهد گفت: برو بابا! تو هم حال داری !!!!